

تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین کیومرث زرافشانی*، خوشقدم خالدی** منصور غنیان***

چکیده: در سال‌های اخیر، رویکردهای مشارکتی به توسعه مورد توجهی فزاینده قرار گرفته و بر اهمیت مشارکت، هم به‌عنوان یک وسیله و هم به‌عنوان یکی از هدف‌های توسعه‌ی پایدار تأکید شده است. با وجود نقش مهم زنان در فرایند توسعه‌ی روستایی، مشارکت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی - ترویجی محدود است. هدف کلی این پژوهش توصیفی-پیمایشی، تبیین میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی بر اساس سطوح مختلف نردبان مشارکت شری آرنستین است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل زنان روستاهای شهرستان سنقر در استان کرمانشاه است. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۱۲۰ نفر برآورد می‌شود و نمونه‌گیری به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انجام شد. هشت پله‌ی نردبان مشارکت به ترتیب از پایین به بالا شامل دگرگون‌سازی، مرتفع‌سازی، آگاه‌سازی، مشاوره، توافق، شراکت، قدرت قانونی و کنترل است. بر اساس یافته‌ها، بیشترین میزان مشارکت زنان روستایی مربوط به پله‌ی دگرگون‌سازی و کمترین میزان مشارکت مربوط به پله‌ی توافق است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی و همچنین بر حسب وضعیت تأهل تفاوتی معنادار وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده، انجام نیازسنجی مناسب، تقویت تشکل‌های زنان و استفاده از رسانه‌های جمعی به منظور آگاه‌سازی زنان در ارتباط با توانمندی‌های آنان به عنوان رهنمود‌هایی برای مروجان و کارشناسان فعال و مرتبط با زنان روستایی ارائه تا مورد استفاده حرفه‌ای آنان قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: توسعه‌ی روستایی، نردبان مشارکت، زنان روستایی، توانمندسازی.

مقدمه و طرح مسئله

دستیابی به اهداف توسعه‌ی روستایی بدون نهادینه کردن مشارکت روستاییان در فرایند توسعه‌ی روستایی امری محال به نظر می‌رسد. در سال‌های اخیر به‌ویژه از اوایل دهه‌ی نود، رویکردهای مشارکتی به توسعه،

* استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

** دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

*** عضو هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین (خوزستان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

مورد توجهی فزاینده قرار گرفته است و اهمیت مشارکت، هم به‌عنوان یک وسیله و هم به‌عنوان یکی از هدف‌های توسعه تأکید شده است (گای، ۱۹۸۸). از سوی دیگر، دستیابی به توسعه‌ی پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از عرصه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد که به‌منظور موفقیت در برنامه‌های کشاورزی و توسعه‌ی پایدار، باید راه‌های مشارکت زنان مطالعه و توان‌مندسازی آن‌ها برای شرکت در فرایند توسعه از مرحله‌ی تصمیم‌سازی آغاز شود (گوبایان و هاکوبیان^۱، ۲۰۰۵ و بوچوی^۲، ۲۰۰۱).

علی‌رغم این‌که زنان روستایی در ایران ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، ۶۳ درصد فعالیت‌های دام‌داری و فعالیت‌های عمده‌ی باغ‌داری (بینا، ۱۳۸۲) و همچنین فعالیت‌های پس از برداشت محصولات، شامل فراوری تولیدات را به عهده دارند (مهندسان مشاور جامع ایران، ۱۳۷۶). سهم زنان روستایی از آموزش بسیار ناچیز است و به‌طور مثال در عرصه‌ی کشاورزی تنها یک درصد از خدمات ترویجی برای زنان طراحی و اجرا می‌شود (غنیان، ۱۳۸۱). بر اساس نتایج تحقیق علی‌بیگی و همکاران (۱۳۸۶) فقط ۱۰ درصد از زنان از دوره‌های آموزشی-ترویجی بهره‌برده‌اند در حالی‌که این رقم برای مردان سه برابر است. این مسئله نشان می‌دهد که زنان روستایی در زمینه‌ی دسترسی به آموزش‌های ترویجی محدودیت دارند (فرگوسن و پرتال، ۲۰۰۲).

بر اساس گزارش سازمان ملل، هرچند زنان ۴۹ درصد جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند، ۶۵ درصد فعالیت‌های بخش کشاورزی را در روستاها زنان انجام می‌دهند. همچنین بر اساس گزارش سازمان فائو، زنان نقشی بسیار مهم در انجام فعالیت‌های روستا دارند. به‌عنوان مثال، زنان روستاهای آفریقا ۱۰۰ درصد فعالیت‌های تولید غذا، ۵۰ درصد فعالیت‌های دام‌پروری و ۶۰ درصد فعالیت‌های بازاریابی را انجام می‌دهند. در ایالت آیوا، ۵۰ درصد زنان در برنامه‌ریزی، ۹۲ درصد آن‌ها در فرایند و ۷۹ درصد آن‌ها در بازاریابی تولیدات کشاورزی فعالیت دارند (اولوی^۳، ۱۹۸۵). زنان روستاهای نیجریه علاوه بر تولیدات زراعی، در سایر فعالیت‌ها مانند دام‌داری، شیلات و جنگل‌داری نیز فعالیت دارند (نانیلو و گادزاما، ۱۹۹۱).

1. Gobayan and Hakobian
2. Botchway
3. Olawoye

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۰۹

علی‌رغم این مسئله، زنان از خدمات آموزشی-ترویجی که در سراسر جهان توسط سازمان‌های کشاورزی ارائه می‌شود، تنها ۵ درصد دریافت می‌کنند و چنانچه این نوع خدمات به اندازه‌ی مردان در اختیار آنان قرار می‌گرفت موجب ۲۲ درصد افزایش بهره‌وری در تولید محصولات کشاورزی می‌شد (اوکری و دیویس^۴، ۲۰۰۹). به عقیده‌ی نانیلو و گادزاما^۵ (۱۹۹۱) با وجود نقش عمده‌ی زنان در تولیدات کشاورزی در اکثر کشورهای جهان، گرایش آموزش‌های ترویجی بیشتر به طرف مردان است و زنان مورد غفلت قرار گرفته‌اند و مشارکت زنان در فعالیت‌های آموزشی-ترویجی محدود است. بنابراین ضروری است برای بهبود و ارتقای کمی و کیفی کار، افزایش توان‌مندی‌ها و رفع محرومیت‌های زنان، زمینه‌ی مشارکت هرچه بیشتر آن‌ها را در برنامه‌های آموزشی-ترویجی فراهم نمود تا از این طریق، توانایی‌های لازم را برای بهبود وضعیت زندگی، رفاه و آسایش خود و خانواده‌شان را کسب کنند و به تبع آن موجبات تسریع فرایند توسعه‌ی روستایی فراهم شود. لذا هدف کلی این پژوهش، بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس سطوح مختلف نردبان مشارکت شری آرنستین است که هشت سطح مشارکت دارد و در بخش‌های بعدی به تفصیل در مورد آن توضیح خواهیم داد. دست‌یابی به این هدف کلی، مستلزم پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

- میزان مشارکت زنان روستایی در هر یک از پله‌های نردبان مشارکت شری آرنستین چگونه است؟
- آیا بین میزان مشارکت زنان روستایی بر حسب وضعیت تأهل، اختلافی معنادار وجود دارد؟
- آیا بین میزان مشارکت زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات اختلافی معنادار وجود دارد؟

مبانی نظری

نگرش سیستمی به توسعه‌ی روستایی، پدیده‌ی مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد. منظور از نگرش سیستمی، یک‌جایی عوامل متعدد و متنوعی است که با یکدیگر درآمیخته‌اند تا به‌صورت یک‌پارچه توسعه‌ی روستایی را به‌وجود آورند (ملک محمدی، ۱۳۷۴). مشارکت فرایندی است که افراد دخیل در آن به‌صورتی فعال، آگاه، آزاد و مسئول برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند (سازمان ملل متحد، ۱۳۷۵). عمدتاً صاحب‌نظران در تعریف مشارکت از مفاهیمی چون هم‌جهتی و هدف‌مندی،

⁴. Okyere and davis

⁵. Nnonylu and Gadzama

آگاهی نسبت به هدف یا اهداف گروه و اراده و خواست بهره می‌گیرند، اما عمده‌ترین هدف مشارکت، توان‌مندسازی افراد است (کول و باچایان^۶، ۲۰۰۷).

سه عنصر اصلی مشارکت شامل تسهیم قدرت و منابع کمیاب، کوشش آگاهانه و عمدی گروه‌های اجتماعی برای کنترل سرنوشت و بهبود شرایط زندگی خویش و ایجاد فرصت‌ها از سطوح پایین است (گای، ۱۹۸۸). داعیه‌داران توسعه‌ی انسانی اعتقاد دارند که فرصت‌ها باید به شکل عادلانه در اختیار افراد قرار بگیرد و باید به همه‌ی مردم، چه مرد و چه زن، به‌طور یکسان فرصت داد تا در اجرای طرح و تصمیمات اساسی که زندگی آن‌ها را شکل می‌بخشد، مشارکت داشته باشند (سازمان ملل متحد، ۱۳۷۵). در روزگاران قدیم در سراسر مشرق زمین، حوزه‌ی فعالیت زنان محدود به خانه و خانواده نبود و آن‌ها هم‌چون مردان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه مشارکت فعال داشته‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۲). بر اساس برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد^۷ در سال ۲۰۰۴، زنان به‌طور متوسط ۵۰ درصد از تولیدات بخش کشاورزی را بر عهده داشتند و به تفکیک، در مناطق حوزه‌ی صحرا در آفریقا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد، در آسیا ۶۵ درصد، در آمریکای لاتین و کارائیب ۴۵ درصد، در نیجریه ۸۰ درصد، در تونس، ۸۰ درصد، در هند ۷۸ درصد، در چین ۷۶ درصد و در استرالیا ۴ درصد از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دادند (مهربانیان، ۱۳۸۶).

زنان روستایی در ایران علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی در بخش خدمات روستایی نیز از گذشته نقشی فعال‌تر و چشمگیرتر داشته‌اند (همان). بر اساس مطالعات انجام‌شده در ایران، مطالعه‌ی موردی روستای آهندان تهران نشان داده است که زنان این روستا نقشی مهم در امر تولید دارند و اگر رئیس خانوار به‌ازای کار زنان مزد بپردازد، زراعت مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود (سرحدی، ۱۳۷۳). نتایج پژوهش امیرنیا (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که زنان دهستان انزل جنوبی در ارومیه، دوشادوش مردان در کلیه‌ی مراحل برداشت محصولاتی چون گندم، نخود و میوه‌های باغی شرکت دارند. تحقیقات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی نشان می‌دهد که زنان در استان‌هایی مانند بوشهر و هرمزگان، ۵۰ درصد نیروی کاشت، ۶۰ درصد نیروی داشت و ۶۵ درصد برداشت را تأمین می‌کنند. هم‌چنین زنان در دامداری نیز نقش اصلی را دارند، به‌طوری‌که حدود ۵۰ درصد نیروی کار دامداری در گیلان و مازندران و ۶۳ درصد از نیروی کار مراقبت از دام‌ها بر عهده‌ی زنان است (دانیالی، ۱۳۸۵).

⁶. Cole and Bachayan

⁷. United Nations Development Program (UNDP)

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۱۱

با وجود گستردگی مشارکت زنان در فعالیتهای روستا، همواره به‌عنوان اقشاری آسیب‌پذیر، در تله‌ای از محرومیت شامل بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار هستند (چمبرز، ۱۳۷۶) و دسترسی آن‌ها به برنامه‌های آموزشی-ترویجی محدود است. به نقل از ساتیو (۱۹۹۲) فرض رایج برنامه‌های ترویجی این است که مردان اکثر فعالیتهای کشاورزی را انجام می‌دهند در حالی که مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، زنان نقشی بسیار مهم را در اقتصاد روستایی بازی می‌کنند. این مسئله موجب ارائه‌ی محدودتر برنامه‌های آموزشی-ترویجی برای زنان می‌شود. به اعتقاد سوانسون^۸ (۱۹۹۰) مطالعات کشورهای مختلف نشان داده است که زنان روستایی تنها ۳۴ درصد از خدمات آموزشی ترویجی را دریافت می‌کنند و تنها ۵ درصد از آن‌ها، به‌طور مفید از برنامه‌های آموزشی-ترویجی استفاده می‌کنند. بنابراین باید با اتخاذ سیاست‌هایی موجبات مشارکت بیشتر زنان در برنامه‌های آموزشی-ترویجی فراهم گردد. باید توجه داشت که مشارکت با توجه به سطوح و میزان مشارکت افراد، دارای انواعی است که در زیر آن‌ها را مرور می‌کنیم.

نوع‌شناسی مشارکت: مشارکت صوری^۹ در مقابل مشارکت واقعی^{۱۰}

مشارکت واقعی فرایندی است که در آن افراد مشارکت‌کننده در مورد موضوعی که مرتبط با زندگی فرد یا گروه است، به‌منظور رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر تعامل می‌کنند و به عقاید یکدیگر احترام می‌گذارند که در این نوع مشارکت، تجارب افراد نقشی بسیار ارزنده دارند. مشارکت واقعی سبب می‌شود افراد در مورد مفاهیم هم‌کاری، تعاون و تصمیم‌گیری به‌صورت ضمنی در حین مشارکت آموزش ببینند (لوئیس چاولا، ۲۰۰۱). این مشارکت علاوه بر ایجاد سینرژی (هم‌افزایی) در تصمیم‌گیری، موجب توان‌مندسازی و خودیاری زنان روستایی می‌شود. نقطه‌ی مقابل مشارکت واقعی، مشارکت صوری است که اخیراً به مشارکتی اطلاق می‌شود که در آن تسهیل‌گران، بحث را به سمتی هدایت می‌کنند که به نتایج دل‌خواه خود دست پیدا کنند. تسهیل‌گران سوالاتی هدایت‌شده را مطرح می‌کنند که به پاسخ‌های مورد نظر خود برسند. در حالی که مشارکت‌کنندگان تصور می‌کنند که ایده‌های خود را بیان می‌کنند (مقاله‌ی مندرج در مجله‌ی یادگیری و عمل مشارکتی،^{۱۱} ۲۰۰۸).

ذکر این نکته الزامی است که در اکثر موارد، مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و بحث و گفت‌وگوهای کلاسی بین مروجان و زنان روستایی، بحث و گفت‌وگوی هدایت‌شده است و مشارکت واقعی اتفاق

⁸. Swanson

⁹. Facipulation

¹⁰. True participation

¹¹. Participatory learning and Action

نمی‌افتد و آنچه در کلاس‌های آموزشی جریان دارد مشارکت صوری است. در زمینه‌ی انواع مشارکت تاکنون تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته است که یکی از انواع تقسیم‌بندی‌ها را در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول (۱) نوع‌شناسی مشارکت (۲۰۰۱)^{۱۲}

تعریف	نوع مشارکت
افراد مشارکت می‌کنند و در مورد پروژه‌های نظر می‌دهند که اتفاق افتاده یا قرار است اتفاق بیفتد. در واقع، مردم به‌وسیله‌ی مدیران پروژه از مسئله اطلاع حاصل می‌کنند. در این نوع از مشارکت هیچ‌گونه تضمینی به بازخوردهای مردم وجود ندارد.	۱. مشارکت غیر فعال
افراد از طریق پاسخ‌گویی به سؤال‌های مطرح‌شده به‌وسیله‌ی محققان مشارکت می‌کنند، که این سؤال‌ها از طریق پیمایش (پرسش‌نامه و غیره) مطرح می‌شود. در این نوع مشارکت، افراد فرصت تأثیرگذاری بر روی فرایندهای بعدی را ندارند.	۲. مشارکت به‌وسیله‌ی دادن اطلاعات
افراد به‌وسیله‌ی مشاوره مشارکت می‌کنند و ماموران خارجی به دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها گوش می‌دهند، اما نهایتاً افراد در تصمیم‌گیری سهمی نیستند.	۳. مشارکت به‌وسیله‌ی مشاوره
افراد با انگیزه‌ی مشوق‌های مادی مانند کار، اطلاعات، غذا، پول نقد و غیره مشارکت می‌کنند.	۴. مشارکت برای مشوق‌های مادی
افراد مشارکت می‌کنند با تشکیل گروه‌هایی که با یکدیگر ملاقات و اهداف پروژه را تعیین می‌کنند. این نوع مشارکت معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که تصمیمات عمده توسط نوازان خارجی یا تسهیل‌گران اتخاذ شده است.	۵. مشارکت عملی
افراد در تجزیه و تحلیل برنامه‌ریزی عملی و شکل‌دهی به مؤسسه‌های محلی یا تقویت مؤسسه‌های موجود مشارکت می‌کنند. این گروه‌ها بر تصمیمات محلی کنترل دارند و همچنین در نگهداری ساختار و روند کار سهمی هستند.	۶. مشارکت تعاملی
افراد به‌وسیله‌ی ابتکار در امور، بدون وابستگی به مؤسسه‌های خارجی، برای دست‌یابی به منابع و توصیه‌های فنی مورد نیاز مشارکت می‌کنند.	۷. تحرک درون‌زا

بر اساس این نوع تقسیم‌بندی، مشارکت روستاییان دارای هفت سطح است که سطوح آن به‌ترتیب از کمترین میزان مشارکت به بالاترین میزان مشارکت شامل ۱. مشارکت غیرفعال^{۱۳}، ۲. مشارکت به‌وسیله‌ی دادن اطلاعات^{۱۴}، ۳. مشارکت به‌وسیله‌ی مشاوره^{۱۵}، ۴. مشارکت برای مشوق‌های مادی^{۱۶}، ۵. مشارکت عملی^{۱۷}، ۶. مشارکت تعاملی^{۱۸} و ۷. تحرک درون‌زا^{۱۹} است. با توجه به تعریف انواع مشارکت مندرج در جدول ۱

12. Philippine Coastal Management Guidebook (PCMG)
 13. Passive Participation
 14. Participatory by Information Giving
 15. Participation by Consultation
 16. Participation for material incentives
 17. Functional Participation
 18. Interactive Participation
 19. Self - Mobilization

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۱۳

به نظر می‌رسد که مشارکت زنان روستایی در ایران بیشتر در سطوح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ بوده و مشارکت آن‌ها در سطوح ۵ و ۶ و ۷ کمتر است. در واقع، مشارکت زنان روستایی در ۴ سطح اولیه مشارکت، مشارکت صوری است که به ذکر تفاوت آن با مشارکت واقعی پرداخته شده است.

یکی دیگر از انواع تقسیم‌بندی‌های مشارکت، توسط شری آرنستین (۱۹۶۹) انجام گرفته است. در این تقسیم‌بندی، میزان مشارکت واژه‌ای برای طبقه‌بندی میزان قدرت و دارای سطوحی متفاوت است که این سطوح متفاوت مشارکت، در نردبان مشارکت شری آرنستین^{۲۰} (۱۹۶۹) قابل نمایش است. در زیر به تشریح این تقسیم‌بندی می‌پردازیم که چارچوب نظری تحقیق نیز است.

چارچوب نظری تحقیق - نردبان مشارکت شری آرنستین

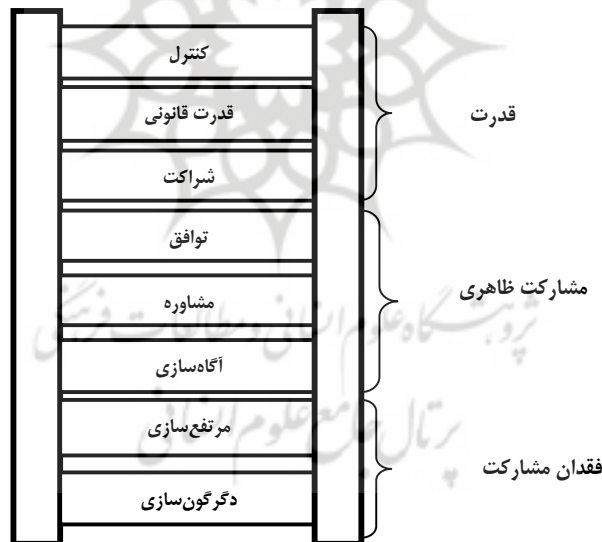
بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین هشت نوع مشارکت ممکن است وجود داشته باشد. این هشت نوع مشارکت در یک نمونه نردبان قابل نمایش است که هر پله‌ای از آن میزان قدرت افراد را در تصمیم‌گیری نهایی نشان می‌دهد. پله‌های بالاتر مشارکت، درجاتی بالاتر از قدرت تصمیم‌گیری را به مشارکت‌کنندگان می‌دهد (شکل ۱). پله ۱ نردبان مشارکت را «دگرگون‌سازی» و پله ۲ را «مرتفع‌سازی» می‌نامند. این دو پله در واقع نشان‌دهنده مشارکت نداشتن افراد در تصمیم‌گیری است و هدف اصلی کارگزاران دولتی در این دو مرحله، مشارکت افراد در برنامه‌ریزی یا مدیریت نیست، بلکه هدف آن‌ها حمایت و آموزش مشارکت‌کنندگان است.

پله سوم نردبان مشارکت را «آگاه‌سازی» و پله چهارم را «مشاوره» می‌نامند. در این دو پله افراد مشارکت‌کننده اجازه‌ی بحث و اظهار نظر در مورد دیدگاه‌های خود را دارند، اما هیچ‌گونه تضمینی برای در نظر گرفتن دیدگاه‌های آن‌ها در تصمیم نهایی وجود ندارد. پله پنجم نردبان مشارکت را «توافق» نامند. در این پله، مشارکت‌کنندگان بر اساس قوانین و مقررات موجود می‌توانند اقدام به طراحی برنامه کنند اما حق تصمیم‌گیری نهایی برای تأیید برنامه‌های طراحی شده متعلق به کارگزاران دولتی است. پله شش نردبان مشارکت را «شراکت» می‌نامند که مشارکت‌کنندگان را قادر به مذاکره و دادوستد با کارگزاران دولتی می‌سازد. پله هفتم را «قدرت قانونی» و پله هشتم را «کنترل» می‌نامند. در این پله‌ها نیز مشارکت‌کنندگان، موقعیت اصلی تصمیم‌گیری یا قدرت مدیریتی را به دست نمی‌آورند.

²⁰ . Ladder of Participation- Sherry R Arnstein

بر اساس این نردبان، مشارکت به سه دسته تحت عنوان فقدان مشارکت، مشارکت ظاهری و قدرت تقسیم می‌شود که دو پله‌ی دگرگون‌سازی و مرتفع‌سازی در دسته‌ی فقدان مشارکت، سه پله‌ی آگاه‌سازی، مشاوره و توافق در دسته‌ی مشارکت ظاهری و سه پله‌ی شراکت، قدرت قانونی و کنترل در دسته‌ی قدرت قرار می‌گیرند. با توجه به سطوح مختلف نردبان مشارکت شری آرنستین، مشارکت زنان روستایی به‌عنوان یکی از اصول تحقق توسعه، از زوایای مختلف قابل بررسی است که در زیر با ذکر مثال در رابطه با هر یک از پله‌های نردبان مشارکت، با تفصیل بیشتر این مسئله را بررسی می‌کنیم.

شکل (۱) نردبان مشارکت شری آرنستین (۱۹۶۹)



۱. دگرگون‌سازی

در این سطح از مشارکت، مخاطبان در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی برنامه‌ها نقشی ندارند و اولویت‌ها، نیازها، علایق و آرزوهای آن‌ها نادیده گرفته می‌شود و برنامه‌ریزی به‌صورت متمرکز و از بالا به پایین صورت می‌گیرد. برنامه‌ها به‌صورت از پیش تعیین‌شده است و مخاطبان برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده هدایت می‌شوند. در این مرحله، مروجان روش‌های جدید را به مردم آموزش می‌دهند و در مورد مزایای آن سخن

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۱۵

می‌گویند تا مخاطبان آن‌را بپذیرند و مخالفت نکنند. به‌عنوان مثال؛ زمانی که یک مروج یک نوع نوآوری را که متناسب با شرایط محلی یک منطقه نباشد به کشاورزان معرفی می‌کند در مرحله‌ی دگرگون‌سازی قرار دارد. در این حالت، مروجان در مورد سودمندی این نوع برنامه تبلیغ می‌کنند و خدمات حمایتی دولت را در زمینه‌ی پذیرش این نوآوری از قبیل یارانه و وام و غیره به کشاورزان یادآور می‌شوند. گاهی اوقات مخاطبان تحت تأثیر مشوق‌های بیرونی به‌صورت مقطعی اقدام به پذیرش نوآوری می‌کنند، اما چنان‌چه متناسب با نیازها و علایق آن‌ها نباشد پایداری تصمیم کاهش می‌یابد و رجوع به حالت اولیه اتفاق خواهد افتاد. برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف برای زنان روستایی بدون نیازسنجی، نمونه‌هایی از این سطح از مشارکت است.

۲. مرتفع‌سازی

در این مرحله از مشارکت، متخصصان ترویج بدون نظرسنجی از مخاطبان، مشکلات مخاطبان را شناسایی می‌کنند و تصمیم‌گیری در مورد راه‌حل‌های مرتفع نمودن مشکلات به‌صورت متمرکز است و به‌علت اعتماد نداشتن به توانایی‌ها و نظرات مخاطبان، نظرات آن‌ها در این زمینه در نظر نمی‌گیرند. فرض کارگزاران دولتی بر این است که مخاطبان برای مرتفع نمودن مشکلات خود به کمک نیاز دارند و در این زمینه دارای تخصص و توانایی نیستند. در این صورت، راه‌حل‌های اتخاذشده ممکن است متناسب با ارزش‌ها و آداب و رسوم حاکم بر منطقه نباشد و پذیرفته نشود. تفاوت مرحله‌ی مرتفع‌سازی با دگرگون‌سازی در این است که در دگرگون‌سازی، مشکلات شناسایی نمی‌شود و برای حل آن نیز برنامه‌ریزی نمی‌کنند اما در مرتفع‌سازی، مشکلات توسط کارشناسان و نه خود روستاییان شناسایی می‌شود.

۳. آگاه‌سازی

این سطح از مشارکت، اولین گام مهم به سمت مشروع نمودن مشارکت است. در این مرحله مخاطبان از حقوق، مسئولیت‌ها و گزینه‌های انتخاب خود آگاه می‌شوند. آگاهی از طریق یک جریان یک‌طرفه‌ی اطلاعات از سمت مروجان به سمت مخاطبان است و هیچ کانالی برای بازخورد یا مذاکره وجود ندارد. در واقع، آگاه‌سازی افراد در آخرین مرحله‌ی برنامه‌ریزی اتفاق می‌افتد و قدرت تأثیرگذاری بر برنامه به سمت منافع مخاطبان وجود ندارد. رایج‌ترین نوع این جریان یک‌طرفه‌ی اطلاعات استفاده از رسانه‌های گروهی، پوستر و نشریه‌های ترویجی است.

۴. مشاوره

در این سطح از مشارکت با استفاده از روش پیمایش و مصاحبه، نظرسنجی می‌کنند و از نیازها، امیدها و علایق مخاطبان مطلع می‌شوند، اما هنوز هیچ تضمینی برای اعمال نظرات مخاطبان در تصمیم‌گیری وجود ندارد. به‌عنوان مثال؛ انتخاب مددکار یا تسهیل‌گران زن، نمونه‌ای از این نوع مشارکت است.

۵. توافق

در این سطح از مشارکت، مخاطبان برنامه شروع به تأثیرگذاری در برنامه می‌کنند. در این حالت مخاطبان برنامه حق برنامه‌ریزی دارند، اما تصمیم‌گیری در مورد قانونی یا عملی بودن این برنامه‌ها بر عهده کارگزاران دولتی است. به‌عبارت دیگر، تأیید این برنامه‌ها بر عهده آن‌هاست. تدوین طرح‌های خدماتی - تولیدی توسط مخاطبان، نمونه‌ای از این نوع مشارکت است مثل؛ طرح مرغداری، گاوداری و غیره که مخاطبان خود پیشنهاد می‌دهند و برنامه‌ریزی می‌کنند اما صدور مجوز اجرای طرح بر عهده دولت است.

۶. شراکت

در این سطح از مشارکت، مخاطبان برنامه و کارگزاران دولتی از طریق اعمال سیاست‌ها و مکانیسم‌هایی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، به‌صورت مشترک مداخله و از طریق ایجاد حقوق و وظایف متقابل به فعالیت می‌کنند. از مصادیق این سطح از مشارکت می‌توان به مشارکت در انجمن‌ها، شوراهای تعاونی‌ها و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی اشاره نمود. بر اساس سال‌نامه‌ی آماری مرکز آمار ایران (۱۳۷۴)، در کل کشور میزان عضویت زنان در تعاونی‌ها تقریباً یک‌دهم مردان است. ناآگاهی زنان نسبت به مفهوم مسئولان و فعالیت‌های تعاونی یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر فقدان مشارکت آن‌ها تأثیر می‌گذارد (طه و همکاران، ۱۳۷۶).

۷. قدرت قانونی

در این سطح از مشارکت، مخاطبان دارای موقعیت روشن و قدرت تصمیم‌گیری پایدار هستند. در این حالت مخاطبان جهت اطمینان از سودمندی برنامه‌ها، کارت تضمین دریافت می‌کنند که در صورت سودمند نبودن برنامه‌ها، مخاطبان برنامه دارای قدرت قانونی در زمینه‌ی دفاع از خود می‌شوند. به‌عنوان مثال، بیمه‌ی محصولات مختلف کشاورزی و باغبانی توسط دولت و دریافت بیمه‌نامه توسط کشاورزان نمونه‌ای از این سطح مشارکت است. همچنین انعقاد انواع قرارداد با سازمان جهاد کشاورزی یا شرکت‌های خدماتی - مشاوره‌ای کشاورزی یکی دیگر از مصادیق مشارکت در این پله است.

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۱۷

۸. کنترل

در این سطح از مشارکت، مخاطبان بدون دخالت افراد خارج از نظام روستا و با مسئولیت کامل در زمینه‌ی سیاست‌ها و جنبه‌های مدیریتی، یک سازمان غیررسمی یا گروه خاص را اداره می‌کنند. این نوع مشارکت به‌صورت آزادانه و آگاهانه از طریق مشارکت‌کنندگان و بدون نفوذ عوامل دیگر پدید انجام می‌شود و سازمان می‌یابد و منشأ تشکیل آن خواست اعضای گروه است. جلوه‌ای از این نوع مشارکت را می‌توان در مشارکت‌های سنتی مانند گروه‌های مشارکتی بهره‌برداری از منابع آب و مشارکت‌های مذهبی مانند مشارکت و تقسیم کار در مراسم و هیئت‌های مذهبی مشاهده کرد. همچنین تشکیل گروه‌های خودجوش و تقسیم کار بین آن‌ها مانند گروه‌های قالی‌بافی، ریسندگی، سجاده‌بافی، گلیم‌بافی نیز نوع دیگری از مصادیق پله‌ی کنترل در نردبان مشارکت است.

گام‌های نردبان

باید توجه داشت که نردبان مشارکت شری آرنستین هشت پله و هفت گام دارد (آرنستین، ۱۹۶۹) که

در زیر این گام‌ها را معرفی می‌کنیم:

وکالت دادن

مذاکره

مشاوره‌ی معنادار

مشاوره‌ی هدایت‌شده

زود اطلاع دادن

دیر اطلاع دادن

عمل مخفیانه

گام‌های نردبان به ترتیب از پایین به بالا شامل: ۱. عمل مخفیانه ۲. دیر اطلاع دادن ۳. زود اطلاع

دادن ۴. مشاوره‌ی هدایت‌شده ۵. مشاوره‌ی معنادار ۶. مذاکره و ۷. وکالت دادن است.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود، از نظر هدف از نوع کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. جامعه‌ی آماری پژوهش را زنان روستایی در رده‌ی سنی ۱۸ تا ۶۵ سال تشکیل دادند. حوزه‌ی جغرافیایی این تحقیق شامل روستاهای شهرستان سنقر در استان کرمانشاه بود که دارای ۸ دهستان با عناوین ستر، گاورد، آب باریک، بوله، فارسینک، آگاهان، کیونانات و سراب است. اکثر مردم این روستاها به شغل کشاورزی مشغولند و در کنار

آن به دامداری نیز می‌پردازند. در برخی از دهستان‌ها، باغبانی و پرورش گیاهان دارویی و زینتی نیز وجود دارد. زنان روستایی علاوه بر مشارکت در کارهای کشاورزی، به فعالیت‌هایی از قبیل بافندگی فرش، گلیم و زیلو می‌پردازند. در اکثر این روستاهای مددکاران زن پل ارتباطی بین زنان روستایی و سازمان‌های مربوط هستند و امر مشارکت زنان را در برنامه‌های آموزشی-ترویجی تسهیل می‌کنند.

حجم نمونه‌ی زنان روستایی با استفاده از جدول کرجسی و مورگان^{۲۱} (۱۹۷۰) ۱۲۰ نفر برآورد شد و به‌روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، نمونه مطالعه انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه بود. بخش اول پرسش‌نامه در رابطه با ویژگی‌های شخصی پاسخگویان و در بخش دوم پرسش‌نامه، برای هر یک از هشت پله‌ی نردبان مشارکت، سؤال‌هایی با استفاده از طیف لیکرت طراحی شد تا میزان مشارکت زنان روستایی در هر یک از پله‌های نردبان مشخص شود. میانگین امتیاز سؤال‌های مربوط به هر یک از پله‌ها برای هر فرد محاسبه شد، سپس برای تعیین مشارکت کل افراد در هر یک از پله‌ها، مشارکت هر فرد در هر پله را با یکدیگر جمع و بر تعداد افراد تقسیم کردیم. فرمول محاسبه‌ی میزان مشارکت بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین به‌صورت زیر است:

مشارکت هر فرد در هر پله = مجموع امتیاز سؤال‌های هر پله / تعداد سؤال‌های مربوط به هر پله
 مشارکت کل افراد در هر یک از پله‌ها = مجموع مشارکت هر فرد در هر پله / تعداد نمونه‌ی زنان روستایی
 بعد از به‌دست آوردن مشارکت کل در هر یک از پله‌ها، به اولویت‌بندی میانگین مشارکت در هر پله پرداختیم. سپس برای به‌دست آوردن میزان مشارکت در تمامی پله‌ها (بدون توجه به تفکیک مشارکت بر اساس پله‌ها)، مشارکت هر فرد در هر پله را با هم جمع و بر هشت پله تقسیم کردیم که فرمول آن به‌صورت زیر است:

مشارکت هر فرد در تمامی پله‌ها = مجموع مشارکت هر فرد در هر پله / هشت
 هدف از به‌دست آوردن مشارکت هر فرد در تمامی پله‌ها (که در واقع نشان‌دهنده‌ی میزان مشارکت کلی زنان در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بدون توجه به مشارکت آن‌ها در پله‌های نردبان است) این بود که میانگین مشارکت کلی زنان روستایی را بر اساس سطح تحصیلات و وضعیت تأهل مقایسه کنیم.

متغیرهای سنجش سطوح هشت‌گانه‌ی نردبان مشارکت

در جدول (۲) به تبیین متغیرهای به‌کار گرفته‌شده برای سنجش سطوح هشت‌گانه‌ی مشارکت در نردبان شری آرنستین پرداخته‌ایم.

²¹ . Krejcie, Robert V., and Daryle W. Morgan

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۱۹

جدول (۲) متغیرهای سنجش سطوح مشارکت در پله‌های هشت‌گانه‌ی نردبان مشارکت

متغیرهای سنجش سطوح هشت‌گانه‌ی مشارکت	سطوح هشت‌گانه‌ی نردبان مشارکت
- فقدان نیازسنجی - توجه نکردن به مشکلات زنان - معرفی نوآوری‌های نامناسب در کلاس‌های آموزشی	۱. دگرگون‌سازی
- تصمیم‌گیری متمرکز در مورد حل مشکلات زنان - اعتماد نداشتن به توانایی‌ها و نظرات زنان روستایی در امور مربوط به زنان	۲. مرتفع‌سازی
- جریان یک‌طرفه‌ی اطلاعات بین مروج و زنان روستایی (پوستر، نشریه و غیره) - استفاده از رسانه‌های گروهی برای کسب اطلاعات ترویجی	۳. آگاه‌سازی
- انجام نظرسنجی از زنان روستایی به روش‌های مختلف - استفاده از گروه‌های رابط زنان (تسهیل‌گران و مددکاران) در برنامه‌های آموزشی-ترویجی	۴. مشاوره
- تدوین انواع طرح‌های خدماتی-تولیدی	۵. توافق
- عضویت در تعاونی‌ها - عضویت در انجمن‌ها - عضویت در صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی	۶. شراکت
- انواع بیمه‌ی محصولات کشاورزی و بیمه‌ی باغات - انعقاد انواع قرارداد با جهاد کشاورزی - انعقاد انواع قرارداد با شرکت‌های خدماتی-مشاوره‌ای کشاورزی	۷. قدرت قانونی
- تشکیل گروه‌های خودجوش زنان روستایی برای انجام امور مختلف	۸. کنترل

اعتبار و روایی تحقیق

روایی ظاهری و محتوایی پرسش‌نامه به‌وسیله‌ی پانل متخصصان تأیید شد. پایایی ابزار پژوهش نیز برای قسمت‌های مختلف پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و آلفای تمامی قسمت‌ها بالاتر از ۷۱ درصد بود که پایایی بالای پرسش‌نامه را نشان می‌دهد (جدول ۳).

جدول (۳) آلفای کرونباخ بخش‌های مختلف پرسش‌نامه

سطوح مشارکت	پرسش‌نامه	
	تعداد گویه	ضریب پایایی
دگرگون‌سازی	۶	۰/۷۲
مرتفع‌سازی	۵	۰/۷۳
آگاه‌سازی	۷	۰/۸۱
مشاوره	۴	۰/۷۵
توافق	۳	۰/۷۹
شراکت	۳	۰/۷۶
قدرت قانونی	۴	۰/۷۲
کنترل	۵	۰/۸۳

۱۲۰ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اسپس^{۲۲} تجزیه و تحلیل شد و از آمارهای توصیفی مانند میانگین، درصد، فراوانی و آمار استنباطی آزمون تی‌استیودنت برای نمونه‌های مستقل و آزمون تجزیه‌ی واریانس یک‌طرفه^{۲۳} استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول (۴)، از لحاظ میزان تحصیلات ۱۷/۵ درصد زنان روستایی بی‌سواد، ۴۸/۳ درصد آن‌ها دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۶/۷ درصد آن‌ها دارای تحصیلات راهنمایی و ۷/۵ درصد آن‌ها دارای تحصیلات متوسطه بودند.

جدول (۴) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی‌سواد	۲۱	۱۷/۵	۱۷/۵
تحصیلات ابتدایی	۵۸	۴۸/۳	۶۵/۸
تحصیلات راهنمایی	۳۲	۲۶/۷	۹۲/۵
تحصیلات متوسطه	۹	۷/۵	۱۰۰

بر اساس جدول (۵)، از لحاظ وضعیت تأهل، ۳۱/۷ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۶۸/۳ درصد آن‌ها متأهل بودند.

جدول (۵) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مجرد	۳۸	۳۱/۷	۳۱/۷
متأهل	۸۲	۶۸/۳	۱۰۰

میزان مشارکت زنان در هر یک از سطوح هشت‌گانه‌ی نردبان مشارکت

جدول (۶)، میانگین مشارکت زنان روستایی را در هر یک از هشت پله‌ی نردبان مشارکت نشان می‌دهد. سپس بر اساس میانگین مشارکت، مشارکت زنان را در هر یک از پله‌ها اولویت‌بندی می‌کند. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که اولویت اول، مربوط به پله‌ی دگرگون‌سازی، اولویت دوم مربوط به پله‌ی کنترل، اولویت سوم مربوط به پله‌ی مرتفع‌سازی، اولویت چهارم مربوط به پله‌ی قدرت قانونی، اولویت پنجم مربوط به پله‌ی

²². SPSS

²³. ANOVA

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۲۱

شراکت، اولویت ششم مربوط به پله‌ی آگاه‌سازی، اولویت هفتم مربوط به پله‌ی مشاوره و اولویت هشتم مربوط به پله‌ی توافق است. بر این اساس، بالاترین میزان مشارکت مربوط به پله‌ی دگرگون‌سازی و پایین‌ترین میزان مشارکت مربوط به پله‌ی توافق است.

جدول (۶) اولویت بندی میزان مشارکت زنان روستایی در هر یک از پله‌های نردبان مشارکت

ردیف	پله‌های مشارکت	میانگین مشارکت	اولویت
۱	دگرگون‌سازی	۴/۸۵	۱
۲	کنترل	۴/۰۱	۲
۳	مرتفع‌سازی	۳/۹۶	۳
۴	قدرت قانونی	۳/۱۲	۴
۵	شراکت	۲/۹۸	۵
۶	آگاه‌سازی	۲/۴۱	۶
۷	مشاوره	۳/۲۲	۷
۸	توافق	۱/۸۳	۸

مقیاس: هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، بسیار زیاد=۵

تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی بر حسب وضعیت تأهل

بر اساس جدول (۷)، بین مشارکت زنان روستایی بر حسب وضعیت تأهل، اختلافی معنادار از نظر آماری وجود دارد. به عبارت دیگر، با احتمال ۹۵ درصد، زنان متأهل نسبت به زنان مجرد از میزان مشارکت بالاتری برخوردار هستند. علت انتخاب متغیر تأهل و سطح تحصیلات از بین سایر متغیرها مانند وضعیت زندگی، میزان درآمد، تعداد فرزندان و غیره این است که این دو متغیر به احتمال زیاد بر روی سطح مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بیشتر تأثیر دارند. به عبارت دیگر، زنان روستایی به‌عنوان نماینده‌ی خانواده‌های خود در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کنند، بنابراین احتمال مشارکت زنان روستایی نسبت به دختران بیشتر خواهد بود. البته چنانچه متغیر سطح تحصیلات و به‌عبارتی بی‌سوادی مانع راه آن‌ها نباشد.

جدول (۷) مقایسه میانگین مشارکت زنان روستایی بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	t	Sig
متأهل	۸۲	۴/۳۹	۲/۳۳۰	۰/۰۲۱
مجرد	۳۸	۲/۱۹		

تحلیل تفاوت میزان مشارکت زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات

جدول (۸)، نتایج تحلیل واریانس یک طرفه مربوط به مقایسه‌ی میانگین مشارکت زنان روستایی بر حسب تحصیلات را نشان می‌دهد که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، اختلافی معنادار بین مشارکت زنان روستایی در سطوح تحصیلی مختلف وجود دارد. برای تعیین این که تفاوت کدام جفت از میانگین‌ها معنادار است از آزمون توکی استفاده کردیم.

جدول (۸) خلاصه نتایج تحلیل واریانس تفاوت بین مشارکت زنان روستایی بر حسب تحصیلات

Sig	F	میانگین مربعات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	آزمون‌ها
					گروه
.۰/۰۲۷	۲/۶۷	۷۲/۴۸۴	۳	۲۷۹/۹۴۴	بین گروهی
		۲۵/۲۳۳	۱۱۹	۳۱۰/۰۶۳	درون گروهی
		-----	۱۲۲	۵۹۰/۰۰۷	کل

نتایج آزمون توکی بیان‌گر آن است که بین میزان مشارکت زنان روستایی با سطح تحصیلات راهنمایی و سایر زنان روستایی (بی‌سواد، ابتدایی و متوسطه) تفاوتی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، زنان روستایی با سطح تحصیلات راهنمایی بیشتر در برنامه‌های آموزشی-ترویجی مشارکت دارند (جدول ۹).

جدول (۹) تفاوت میانگین‌های مشارکت زنان روستایی با سطح تحصیلات مختلف با استفاده از آزمون توکی

زیر گروه		حجم نمونه	سطح تحصیلات
۲	۱		
-----	۱۵/۱	۲۱	بی‌سواد
-----	۱۹/۸	۵۸	تحصیلات ابتدایی
۲۷/۴	-----	۳۲	تحصیلات راهنمایی
-----	۱۷/۶	۹	تحصیلات متوسطه

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها، اولویت‌بندی میزان مشارکت زنان روستایی در هر یک از پله‌های نردبان مشارکت نشان داد که اولین اولویت مربوط به پله‌ی دگرگون‌سازی است. این مسئله نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی‌های کنونی، بدون توجه به نیازهای واقعی زنان روستایی و به صورت متمرکز و از بالا به پایین صورت می‌گیرد. این نتیجه با نتایج تحقیق گوبایان (۲۰۰۵) و بوچوی (۲۰۰۱) در زمینه‌ی مشارکت زنان

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۳۳

هم‌خوانی دارد. باید توجه داشت که مشارکت نکردن زنان در نیازسنجی برنامه‌های آموزشی-ترویجی موجب پایین آمدن اثربخشی برنامه‌ها، بی‌رغبتی زنان برای شرکت در دوره‌های آموزشی و هدر رفتن سرمایه‌های ملی می‌شود.

دومین اولویت مربوط به پله‌ی کنترل است. نکته‌ی قابل توجه این است که علی‌رغم این که زنان روستایی کمتر در سطوح پایین‌تر نردبان مشارکت داشته‌اند، در پله‌ی کنترل بیشتر مشارکت داشته‌اند. این مسئله نشان‌دهنده‌ی فرهنگ دیرینه‌ی مشارکت و تعاون در میان زنان روستایی برای انجام فعالیت‌های خودجوش است. به عبارت دیگر، زمانی که مأمور ترویج به‌عنوان تسهیل‌گر نقش داشته است مشارکت زنان کم بوده اما زمانی که تسهیل‌گر نقشی نداشته و فعالیت‌ها درون‌زا بوده، مشارکت زنان بیشتر بوده است. از این مسئله می‌توان نتیجه گرفت که زنان روستایی، مأموران ترویج را به‌عنوان عوامل خارج از روستا می‌نگرند که زیاد قابل اعتماد نیستند. برای حل این معضل می‌توان از زنان تسهیل‌گر روستایی جهت آموزش زنان استفاده نمود. این نتیجه با نتایج تحقیق حاجیلو و همکاران (۱۳۸۶) در یک راستا است.

سومین اولویت مربوط به پله‌ی مرتفع‌سازی است. باید توجه داشت که دگرگون‌سازی و مرتفع‌سازی که به ترتیب اولویت اول و سوم را در مشارکت زنان به خود اختصاص داده‌اند، بر اساس نردبان شری آرنستین در دسته‌ی مشارکت نداشتن قرار دارند. در واقع در این سطوح از مشارکت، زنان روستایی نقش منفعل دارند. چهارمین اولویت، مربوط به پله‌ی قدرت قانونی است که نشان‌دهنده‌ی مشارکت بالای زنان روستایی در این پله و به دلیل نیاز مبرم زنان روستایی به حمایت‌های مالی ناشی از این نوع مشارکت است. از سوی دیگر، مشارکت در این پله برای آن‌ها، نتایجی زودبازده و محسوس را به همراه دارد.

پنجمین اولویت، مربوط به پله‌ی شراکت بود. با توجه به مشارکت کم‌رنگ زنان در پله‌ی شراکت، باید در زمینه‌ی ایجاد تشکل‌ها و نهادهای مربوط به امور زنان فعالیت بیشتری انجام شود. در این راستا تشکیل تعاونی‌های روستایی زنان، موجب ایجاد پایگاهی برای زنان می‌شود که از طریق آن می‌توانند مسئولان را از نیازها و مشکلات خود آگاه نمایند. این یافته با نتیجه‌ی تحقیق طه و همکاران (۱۳۷۶) در زمینه‌ی مشارکت زنان در تعاونی‌ها هم‌خوانی دارد.

ششمین اولویت، مربوط به پله‌ی آگاه‌سازی بود. با توجه به این که مشارکت زنان در پله‌ی آگاه‌سازی کم بوده است بنابراین باید اطلاع‌رسانی بخش ترویج کشاورزی تقویت شود زیرا بسیاری از نشریه‌ها،

پوسترها و سی‌دی‌های آموزشی در اختیار زنان روستایی قرار نمی‌گیرد و از سوی دیگر، در صورت دسترسی زنان روستایی به موارد مذکور، به‌علت بی‌سوادی قادر به استفاده از آن نیستند.

هفتمین اولویت، مربوط به پله‌ی مشاوره بود. این مسئله نشان می‌دهد که نیازسنجی زنان روستایی از طریق مصاحبه و گروه‌های تمرکز برای پی بردن به مشکلات واقعی آن‌ها محدود است. هشتمین اولویت، مربوط به پله‌ی توافق بود که مشارکت کم‌رنگ زنان روستایی در این پله، علاوه بر بی‌سوادی زنان، به‌علت فرهنگ حاکم بر روستا نیز است. مطابق این فرهنگ، مردان رئیس خانواده هستند و در فعالیت‌های اجتماعی به‌عنوان نماینده‌ی خانواده حضور می‌یابند. در این صورت، زنان اجازه‌ی حضور در این نوع فعالیت‌ها را نمی‌یابند. از سوی دیگر، زنان روستایی به‌عنوان نیروی اجتماعی شاغل، شخصیتی مستقل ندارند که این امر نه‌تنها ناشی از نگرش‌های سنتی دیرپاست بلکه در نبودن خودتکایی و خودباوری زنان ریشه دارد. این نتیجه با نتیجه‌ی تحقیق طه و همکاران (۱۳۸۶) و غلامی (۱۳۸۰) هم‌خوانی دارد.

بر اساس یافته‌ها، بین مشارکت زنان روستایی بر حسب وضعیت تأهل تفاوتی معنادار وجود دارد و زنان متأهل نسبت به زنان مجرد از میزان مشارکت بالاتر برخوردار هستند. این مسئله احتمالاً به‌دلیل جهت‌گیری‌های سنتی جامعه‌ی روستایی نسبت به مشارکت دختران در برنامه‌های آموزشی است و به همین علت از مشارکت دختران ممانعت به‌عمل می‌آورند. این نتیجه با نتیجه‌ی تحقیق ردی (۲۰۰۳) هم‌خوانی دارد.

بر اساس یافته‌ها، بین مشارکت زنان روستایی در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد و زنان روستایی با سطح تحصیلات راهنمایی نسبت به سایر زنان از مشارکتی بیشتر برخوردار هستند. این مسئله نشان می‌دهد که با بالا رفتن میزان تحصیلات زنان، میزان مشارکت زنان در برنامه‌های آموزشی- ترویجی افزایش می‌یابد. این نتیجه با نتایج مطالعات راجیکا (۱۹۹۷)، ساتیو (۱۹۹۲)، اخلاص‌پور (۱۳۷۱)، باقری (۱۳۶۹)، بنی‌هاشمی (۱۳۷۲)، سلطانی (۱۳۷۰) و سازمان برنامه و بودجه کرمان (۱۳۵۴) در یک راستا قرار دارد. پیشنهادات زیر در راستای یافته‌های تحقیق مطرح می‌گردد:

۱) با توجه به میزان مشارکت در پله‌ی دگرگون‌سازی پیشنهاد می‌گردد با انجام نیازسنجی دقیق آموزشی از طریق گروه تمرکز، مصاحبه و غیره زمینه‌ی پی بردن به نیازهای واقعی زنان روستایی و جلب مشارکت آنان در برنامه‌های آموزشی- ترویجی فراهم گردد.

۲) با توجه به میزان مشارکت در پله‌ی شراکت و نیز با توجه به این‌که قالی‌بافی جزو فعالیت‌های روزمره‌ی زنان این منطقه است، لذا تشکیل شرکت‌های تعاونی قالی‌بافی در روستاها پیشنهاد می‌شود. این

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۲۵

شرکت‌ها مواد اولیه‌ی قالبی‌بافی را در اختیار زنان روستایی قرار می‌دهند و ضمن ایجاد استانداردهای مشخص تولید، اقدام به خریداری تولیدات زنان روستایی در زمینه‌ی قالبی‌بافی می‌کنند تا موجبات توسعه‌ی اقتصادی روستا و اشتغال زنان فراهم گردد.

۳) با توجه به میزان مشارکت زنان در پله‌ی آگاه‌سازی و نیز با توجه به استفاده‌ی محدود زنان از رسانه‌های جمعی، پیشنهاد می‌کنیم نسبت به تهیه‌ی برنامه‌های رادیو، تلویزیون و تهیه‌ی خبرنامه‌ها و مجله‌های ویژه‌ی زنان اقدام شود. همچنین تهیه‌ی فیلم‌های آموزشی به زبان محلی نیز پیشنهاد می‌گردد.

۴) با توجه به مشارکت پایین زنان در پله‌ی توافق و نیز با توجه به نقش تعیین‌کننده‌ی مردان در مشارکت زنان در این پله، پیشنهاد می‌کنیم که در طراحی برنامه‌های آموزشی برای مردان، مسایل نگرشی در مورد زنان نیز گنجانده شود.

۵) با توجه به افزایش میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی با افزایش سطح تحصیلات، تقویت برگزاری کلاس‌های سوادآموزی جهت رفع معضل بی‌سوادی زنان پیشنهاد می‌شود.

منابع

- اخلاصی‌پور، رویا (۱۳۷۱) شناخت فعالیت‌های زنان روستایی، اولین گام در تعیین آموزش‌های ترویجی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- امیرنیا، لیلا (۱۳۸۰) «میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی در فرایند توسعه روستایی: مطالعه موردی دهستان انزل جنوبی ارومیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- بنی‌هاشمی، فروغ السادات (۱۳۷۲) «جایگاه زنان روستایی و عشایری در برنامه‌ریزی رشد و توسعه استان کهگیلویه و بویر احمد»، جهاد، شماره‌ی ۱۶۶-۱۶۵، صص ۳۵-۲۶.
- باقری، میترا (۱۳۶۹) «بررسی ویژگی‌های اشتغال زنان در ایران، ۶۵-۱۳۵۵»، تهران: سازمان برنامه و بودجه: دفتر جمعیت و نیروی انسانی، ص: ۱۴۲.
- بینا، لادن (۱۳۸۲) «بررسی نقش مشارکت زنان در مقابله با بیابان‌زدایی و عوامل مؤثر در مشارکت آنان در بیابان‌زدایی در حوزه آبخیز جبله رود در استان سمنان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- حاجیلو، فتانه و هم‌کاران (۱۳۸۶) بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیل‌گران زن روستایی، ترجمه‌ی منصور محمودنژاد. انتشارات مرکز تحقیقات روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶) توسعه‌ی روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران.

۱۲۶ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸

دانیالی، ت (۱۳۸۵) طرح آموزش زنان تسهیل‌گر توسعه روستایی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.

سازمان ملل متحد (۱۳۷۵) توسعه‌ی انسانی، ۱۹۹۵. ترجمه‌ی غلامحسین صالح‌نسب. وزارت جهاد (ضمیمه‌ی ماهانه‌ی علمی جهاد).

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۴) بررسی کوتاه ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان استان چهارمحال و بختیاری.

سرحدی، فریده و همکاران (۱۳۷۳) بررسی اجتماعی-اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان تهران. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ص ۱۶۰.

سلطانی، سیما (۱۳۷۰) گزارشی کوتاه پیرامون مسایل بانوان سیستان و بلوچستان، کمیسیون امور بانوان استانداری سیستان و بلوچستان، ص ۳۰.

طه، مهدیه و هومن میرعابدینی (۱۳۷۶) مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی. مجموعه مقالات گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی. فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، نشریه‌ی شماره ۳.

علی‌بیگی، امیرحسین؛ کیومرث زرافشانی و سعیده اولایی (۱۳۸۶) تحلیل جنسیتی فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای شهرستان کرمانشاه: توصیه‌هایی برای عاملان توسعه روستایی. مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۱.

غلامی، منیر (۱۳۸۰) موانع اشتغال رسمی زنان، رودهن: همایش ملی بررسی راه‌کارهای علمی اشتغال.

غنیان، منصور، فضیله خانی، مجتبی قدیری معصوم (۱۳۸۷) نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیای عرصه‌های طبیعی بیابانی (مطالعه موردی استان خوزستان)، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۹.

گای (۱۹۸۸) «توسعه مشارکتی، چشم‌اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی»، گاهنامه‌ی روستا و توسعه، شماره ۴، مهرماه ۱۳۷۱، انتشارات جهاد سازندگی.

گیرشمن، رومن (۱۳۷۲) ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی: محمد معین. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) سالنامه‌ی آماری.

ملک محمدی (۱۳۷۴) «شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی»، ماهنامه‌ی علمی جهاد، شماره ۱۸۳-۱۸۲.

مهندسان مشاور جامع ایران (۱۳۷۶) کشاورزی و زنان. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و بودجه، وزارت کشاورزی.

مهربانیان الهه و سعیده موذنی (۱۳۸۶) «نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی آسیا)»، جهاد، شماره ۲۷۸، مرداد و شهریور ماه ۱۳۸۶، صص ۱۹۵-۱۷۶.

Botchway, K. (2001) Paradox of Empoverment. World Development, Vol. 29, No. 1, Pp: 135-153.

Cole, R. E. Bachayan, P. (2007) Quality, participation and competetiveness. California Management Review, Vol. 35, No. 3. Spring 1993.

Ferguson, Anne, and Eduardo Peralta (2002) Broadening Access and Promoting Gender Equity in Bean and Cowpea Production, Marketing, and Processing. Latin America/Caribbean Workplan, the Bean/Cowpea Collaborative Research Support Program (CRSP). Retrieved 13 April, <http://www.isp.msu.edu/crsp/workplan>.

بررسی مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری آرنستین ۱۳۷

Gobayan, I. and Hakobian, L. (2005) Rural womens participation in decision- making in America (online).

Krejcie, Robert V., and Daryale W. Morgan (1970) Determining Sample Size for Research Activities. Educational and Psychological Measurement, Vol. 30, No. 3, Pp: 607-610.

Louise Chawla (2001) Evaluating children participation: seeking areas of consensus. PLA NOTES, Vol. 42, October 2001.

Satio, K.A. (1992) Developing Agricultural Extention for Women Farmers. World Bank Discussion Papers, Vol. 156, Washington D.C.

Sherry, R. Arnstein (1969) A ladder of citizen participation. Journal of American Institute of Planner, Vol. 35, No. 4, Pp: 216-224.

Swanson, B.E. (1990) The Current Status of Agricultural Extention Worldwide. Report of the Global Consultation on Agricultural Extension, FAO, Roma.

Rajika ,B. & Frank, J. (1997) Rural Women in India: Assessment of Educational Constraints, The need for new educational approaches. Journal of Research in Rural Education, Winter, 1997. vol.13, No.3, Pp: 183-196.

Nnonyelu, c. & Gadzama (1991) Effective Roles for Women in Nigerian Agriculture Support Strtegies, (Pp: 1-19), in FACU(Ed), Women in Agriculture Sup- Program. Ibadan: Federal Agriculture Coordinating Unit.

Okyere, K. A. and Davis, K (2009) Knowledge & innovation for agricultural development. IFPRI Policy Brief II. <http://www.Ifpri.org/pwbs/bp/bpon.pdf>.

Olawoye, J.E. (1985) Rural Womens Role in Agriculture Production: An Occupational Survey of Women from Six Selected Rural Comunities in Oyo State. Nigerian Journal of Rural Sociology, Vol. 2, No. 1, Pp: 34-39.

Philippine Coastal Management Guidebook (2001) Involving Communities in Costal Manangement, Managing Marine Protected Areas: A toolkit for the western Indian Ocean. No. 4, Pp: 7-8.

Reddy, R. (2003) Why do people participate in voluntary action? Journal of Extension, Vol. 3, No. 2, Pp:12-18.

Transcript of UK TV Channel 4 News, 19th September, 2007 (2008) The art of facipulation? Participatory Learning and Action. NO. 58.